

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی

رساله دکتری

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

ابهام در شعر معاصر

(نیما یوشیج، اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد)

استاد راهنما :

دکتر ابوالقاسم قوام

استادان مشاور :

دکتر محمود فتوحی

دکتر تقی پورنامداریان

نگارش :

احمد سنجولی

زمستان ۱۳۸۹

تعهدنامه

اینجانب احمد سنچولی دوره دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، عنوان پایان نامه: **ابهام در شعر معاصر (نیمایوشیخ، اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد) تحت راهنمایی جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم قوام متعهد می‌شوم:**

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

- متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه‌های تکثیر شده وجود داشته باشد.



بسمه تعالی
مشخصات رساله تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله: ابهام در شعر معاصر (نیما یوشیج، اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد)		
نام نویسنده: احمد سنجولی		
نام استاد راهنما: دکتر ابوالقاسم قوام		
نام استادان مشاور: دکتر محمود فتوحی، دکتر تقی پورنامداریان		
رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی	گروه: زبان و ادبیات فارسی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۱۲/۲۳	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دکتری	تعداد صفحات: ۲۸۳
چکیده رساله:		
<p>یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دریافت معنی شعر معاصر فراروی خوانندگان قرار دارد، مسأله ابهام است که بستگی به عوامل گوناگونی دارد. ابهام در نظریه‌های ادبی جدید نه تنها نکوهیده نیست، بلکه ارزش محسوب می‌شود و با شرکت دادن خواننده در فرایند آفرینش معنا نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند. ابهام در شعر معاصر معمولاً در کلیت آن نهفته است و در برخی موارد هم دستگاه بلاغی شعر را تحت تأثیر قرار داده، موجب می‌شود که عناصر بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه و... ساختاری مبهم پیدا کنند. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی است، اسباب و صور ابهام‌آفرین در شعر چهار تن از شاعران معاصر (نیما، اخوان ثالث، سپهری و فروغ فرخزاد) از دیدگاه بلاغت سنتی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده ضمن تفکیک دو گونه ابهام هنری (بلاغی) و غیر هنری (دستوری)، بر این باور است که بخشی از ابهام‌ها در شعر معاصر ناشی از صور خیال و عناصر بلاغی است که این امر خود ناشی از دید تازه شاعر نسبت به جهان و پدیده‌های اطراف است.</p>		
واژه‌های کلیدی:	امضای استاد راهنما:	تاریخ:
۱. ابهام ۲. دستگاه بلاغی ۳. دستگاه دستوری ۴. شعر معاصر (نیما، اخوان، سپهری و فروغ فرخزاد)		

فهرست مطالب:

مقدمه	۶
کلیات	
ابهام	۱۴
ابهام در شعر قدیم و تفاوت آن با شعر معاصر	۱۶
ابهام و پیوندهای عین و ذهن در شعر	۱۹
انواع ابهام	۲۱
ابهام و دستگاه بلاغی	۲۳
درجه ابهام در صناعات بلاغی	۲۵

بخش اول: ابهام‌های هنری (بلاغی)

فصل اول: ابهام‌های حاصل از صور بیانی

الف) صناعاتی که متن معنای آن‌ها را مشخص می‌کند:	۳۰
مجاز مرسل	۳۰
تشبیه	۳۲
ابهام بر اساس ذکر یا حذف برخی از ارکان تشبیه	۳۳
حذف ادات تشبیه	۳۴
حذف وجه شبه	۳۴
حذف وجه شبه و ادات تشبیه (تشبیه بلیغ)	۳۵
ابهام بر اساس طرفین تشبیه	۳۸
تشبیه خیالی و وهمی	۳۹
ابهام به دلیل استخدام وجه شبه	۴۰
نیما و تشبیهات گسترده	۴۱
سپهری و تشبیهات فشرده	۴۶
اخوان و وضوح تشبیهات	۵۲
فروغ و تشبیهات عقلی	۵۶

۶۳	تمثیل
۶۳	نیما و تمثیل‌های تعلیمی
۶۵	اخوان و تمثیل‌های تعلیمی
۶۷	فروغ فرخزاد و سهراب سپهری
۶۷	تمثیل رمزی
۶۹	استعاره
۷۰	استعاره مصرحه و ابهام
۷۱	نیما و نزدیک شدن استعاره‌ها به نماد
۷۳	سپهری و ابداع ترکیب‌های تازه
۷۵	اخوان و ابهام‌زدایی از استعاره‌ها
۷۹	فروغ و ابداع ترکیب‌های تازه
۸۳	استعارهٔ مکنیه
۸۵	تشخیص
۸۶	نیما و اتحاد با طبیعت
۸۹	سپهری و نسبت دادن آزادانهٔ صفات به پدیده‌ها
۹۰	فروغ و تبدیل کلمه به شیء
۹۲	اخوان و همدلی با طبیعت
۹۲	اسناد مجازی
۹۳	استعارهٔ تبعیه
۹۶	کنایه
۹۷	کنایه‌های قاموسی و کنایه‌های ابداعی
۹۸	نیما و کنایه‌های رمزی
۱۰۱	اخوان و کنایه‌های سنتی
۱۰۴	سپهری و کنایه‌های معمولی
۱۰۵	فروغ و کنایه‌های رمزی
۱۱۲	ب - صناعاتی که بر بافت کلام تأثیر می‌گذارند:
۱۱۲	حسامیزی
۱۱۳	نیما و پیوند حس‌ها با محتوا

۱۱۷	اخوان و پیوند حس‌ها با محتوا
۱۲۰	سپهری و بسامد بالای حسامیزی
۱۲۲	فروغ و عواطف زنانه در حسامیزی
۱۲۵	اسطوره
۱۲۶	نیما و اسطوره‌های طبیعی و بومی
۱۲۸	اخوان و اسطوره‌های ملی و حماسی
۱۲۹	سپهری و اسطوره‌های کهن
۱۳۲	فروغ و بزرگ بانوی ازلی
۱۳۵	سمبل (نماد)
۱۳۷	سمبل و ابهام
۱۴۳	نیما و نمادهای ساختمند
۱۵۳	اخوان و نمادهای ساختمند
۱۶۰	فروغ و نمادهای خرد
۱۶۲	سپهری و نمادهای اساطیری
۱۶۷	سمبل‌های عمومی و خصوصی

فصل دوم : ابهام‌های حاصل از عناصر بدیعی

۱۷۲	معما و چیستان
۱۷۲	نیما و اشعار معماگونه
۱۷۴	اخوان و ابهام‌زدایی از معماها
۱۷۸	سپهری و اشعار معماگونه
۱۷۹	فروغ فرخزاد
۱۸۰	آیرونی
۱۸۱	نیمایوشیج
۱۸۱	اخوان و زبان آیرونیک
۱۸۴	فروغ و حضور ملایم آیرونی
۱۸۷	سپهری و تعلیق خواننده بین طعن وجد
۱۸۹	ابهام

۱۹۰ نیمایوشیج
۱۹۲ اخوان ثالث
۱۹۴ سپهری
۱۹۵ فروغ فرخزاد
۱۹۹ تلمیح
۲۰۱ نیما و تلمیحات محلی
۲۰۳ اخوان و تنوع تلمیحات
۲۰۴ سپهری و تلمیحات اساطیری
۲۰۷ فروغ فرخزاد
۲۰۹ پارادوکس (تناقض نما)
۲۰۹ پارادوکس و ابهام
۲۱۲ نیما و پارادوکس های شاعرانه
۲۱۶ اخوان و پارادوکس های شاعرانه
۲۲۱ فروغ و پارادوکس های شاعرانه
۲۲۴ سپهری و نگاه بدون تناقض

بخش دوم : ابهام های غیر هنری (دستوری)

۲۲۸ ابهام های ناشی از مسأله زبان
۲۲۸ دستگاه واژگان
۲۳۱ دستگاه دستوری
۲۳۱ نیمایوشیج
۲۳۵ زبان شعری اخوان
۲۳۷ زبان شعری سپهری
۲۳۸ زبان شعری فروغ فرخزاد

بخش سوم : ابهام های دستوری - بلاغی

۲۴۰ صفت
۲۴۰ نیمایوشیج

۲۴۳	اخوان ثالث
۲۴۵	سپهری
۲۴۷	فروغ فرخزاد
۲۴۹	ضمیر
۲۴۹	نیمایوشیخ
۲۵۱	سپهری
۲۵۳	فروغ فرخزاد
۲۵۵	اخوان ثالث
۲۵۶	فضای خالی بین بندها و مصراع‌های شعر
۲۵۶	نیمایوشیخ
۲۵۹	سپهری
۲۶۰	اخوان ثالث و فروغ فرخزاد
۲۶۱	نتیجه
۲۶۹	منابع و مأخذ

مقدمه

ابهام از جمله عوامل ذاتی و جوهری شعر است که از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است. ابهام در شعر موجب هر نوع غرابت، شگفتی و درنگی می‌شود که برای خواننده اثر ادبی پیش می‌آید و معمولاً جنبه زیبایی شناختی دارد. این عمل موجب می‌شود که از یک سو حس شگفتی در خواننده به وجود آید و از سوی دیگر حس کنجکاوی و کاوشگری. شناخت ابهام و سطوح مختلف آن می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای در دریافت معنی برای خوانندگان شعر معاصر پدید آورد. امروزه مقوله ابهام از جمله موضوعاتی است که در حوزه ادبیات و نقد ادبی مورد توجه می‌باشد و یکی از راه‌های مشارکت خواننده در فرایند خوانش متن و درنگ در آن است. بر این اساس ابهام آشفتگی و نابسامانی ساختار متن نیست، بلکه با شرکت دادن خواننده در آفرینش معنا، نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند و او را از حالت انفعال دور می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های مهم شعر معاصر فارسی مسأله ابهام است که به گونه‌های مختلف در شعر شاعران نمود یافته است. مسأله ابهام نه تنها از اهمیت شعر معاصر نکاسته، بلکه بر ارزش، ماندگاری و تأثیر آن افزوده است. این ویژگی موجب می‌شود تا خواننده با متن ادبی ارتباط بیشتری برقرار کند و در آن به تأمل پردازد و با فعالیت‌های ذهنی و تلاش فکری به معانی گوناگون متن ادبی دست یابد و به ذهنیت شاعر نزدیک شود. با بررسی شعر معاصر از این دیدگاه می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد که ابهام چیست و چه عواملی باعث پدید آمدن ابهام در شعر می‌شود؟ این ابهام‌ها در چه گونه‌هایی قابل رده‌بندی هستند؟ میزان ماندگاری و تأثیرگذاری اشعار تا چه حد به درجه ابهام هنری آنها بستگی دارد؟ صور بلاغی چه نقشی در ابهام‌آفرینی ایفا می‌کنند و رایج‌ترین نوع ابهام در شعر هر شاعر کدام است؟

ابهام در شعر معاصر در کلیت آن نهفته است. این مسأله که خود ناشی از تغییر نگرش شاعران به عالم هستی و پدیده‌های طبیعی می‌باشد، دستگاه بلاغی شعر را تحت تأثیر قرار داده و موجب می‌شود که عناصر بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه و... ساختاری مبهم پیدا کنند. در این پژوهش، مسأله ابهام از دیدگاه بلاغت سنتی مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در یافتن وجوه ابهام بیشترین تأکید بر روی صور خیال بوده است نه فرم و ساختار شعر. بحث در باره فرم و ارتباط آن با ابهام پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد. در شعر معاصر فرم و ساختار شعر گاه به گونه‌ای است که بدون استفاده شاعر از صور خیال، شعر مبهم است. در حقیقت یکی از تفاوت‌های اساسی شعر معاصر با شعر سنتی نیز در همین نکته نهفته است که واحد شعر سنتی بیت است و شعر در هر بیت تمام می‌شود و در بیت دیگر آغاز می‌گردد. در حالی که در شعر معاصر تمام اجزای شعر در پیوند با یکدیگر است.

بر اساس بلاغت سنتی ابهام‌های شعر معاصر را می‌توان به دو گونه هنری (بلاغی) و غیر هنری (دستوری) رده‌بندی کرد. ابهام‌های هنری در حقیقت ناشی از جلوه‌های متنوع خیال شاعر است که همراه با عنصر عاطفه موجب تأثیرگذاری بیشتر بر خواننده می‌شود و نشان از توانایی شاعر در درک جهان پیرامون او دارد.

لازم به ذکر است که سابقه پژوهش در این زمینه بسیار محدود است و در طی سالیان اخیر، به صورت پراکنده فقط تعدادی مقاله در این خصوص نوشته شده است. در یک بررسی اجمالی، می‌توان پژوهش‌های انجام شده در این مورد را به سه دسته تقسیم کرد:

الف- کتاب‌هایی که صرفاً به مسأله ابهام در شعر فارسی اختصاص دارد. تا آن‌جا که نگارنده اطلاع یافته، فقط یک کتاب در این زمینه تألیف شده است: کتاب «صور ابهام در شعر فارسی» تألیف نجیب مایل هروی. در این کتاب ابهام به سه دسته ذاتی، عارضی و عمدی تقسیم شده است. در مبحث ابهام ذاتی به برخی از صور بلاغی از قبیل مجاز مرسل، استعاره، کنایه، ایهام و تلمیح پرداخته شده و از دیگر گونه‌های ابهام هنری مثل تشبیه، حسامیزی، پارادوکس، تمثیل، سمبل و... سخنی به میان نیامده. کتاب مذکور در حیطة شعر سنتی و به‌ویژه شعر خاقانی است.

ب- مقالاتی که در آن‌ها به مسأله ابهام پرداخته شده که از آن جمله می‌توان به مقاله «ابهام در ساختار تشبیهی شعر معاصر» (۱۳۸۶)، نوشته احمد رضایی اشاره کرد. در این مقاله همان‌گونه که از

نام آن پیداست، فقط به ذکر ابهام‌های حاصل از ساختار تشبیهی شعر معاصر پرداخته شده و از دیگر گونه‌های ابهام سخنی به میان نیامده است.

مقاله «بررسی ابهام در شعر امروز» (۱۳۸۷)، نوشته بهزاد خواجهات، نیز از دیگر مقاله‌هایی است که صرفاً به مسأله ابهام اختصاص دارد. در این مقاله ضمن اشاره به هفت نوع ابهام امپسن، ابهام شعر فارسی به سه دسته ابهام‌های ذاتی، عارضی و عمدی تقسیم شده است. ظاهراً این تقسیم‌بندی تحت تأثیر کتاب «صور ابهام در شعر فارسی» تألیف نجیب مایل هروی صورت گرفته است. مؤلف، ابهام‌های شعر امروز را ناشی از عوامل زیر می‌داند:

ابهام ذاتی، ایجاد مانع برای درنگ در خواننده، ایجاد مانع در ورود اغیار به فضای شعر، سبقت گرفتن ذهن و اندیشه شاعرانه از کلمات، ایجاز، ورود مسایل جدید علوم، مرگ مؤلف، آگاه نبودن از تلمیحات و زمینه‌های تاریخی خاص، آشنایی زدایی لفظی و معنایی، بهره‌گیری از بیان روایی، فردی شدن جریان شعر (سبک ویژه).

اما برای هیچ‌کدام از مقوله‌هایی که برمی‌شمرد نمونه‌ای از شعر معاصر ارائه نمی‌دهد تا به عنوان مثال ما بدانیم که منظور او از «سبقت گرفتن شعر و اندیشه شاعرانه از کلمات» چیست و یا بهره‌گیری از زبان روایی چگونه باعث ابهام در شعر معاصر می‌شود.

مقاله «ابهام در شعر فارسی» نوشته علی محمدی که در آن به بررسی مسأله ابهام در شعر سنتی و شعر معاصر پرداخته شده است. مؤلف در این مقاله ابهام در متون کلاسیک را ناشی از دشواری واژه‌ها، پیچیدگی ساختار دستوری و باریکی خیالی می‌داند که برای زیبایی سخن به کار بسته شده است. به برخی عوامل ابهام‌آفرین از قبیل مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، ابهام، معما و تمثیل اشاره شده است و در بخش ابهام شعر معاصر، دیدگاه دکتر پورنامداریان از کتاب «خانه‌ام ابری است» عیناً نقل گردیده است.

دکتر محمود فتوحی نیز دو مقاله در این زمینه دارد که یکی با عنوان «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا» (۱۳۸۷)، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران به چاپ رسیده است. در این مقاله با بررسی پیشینه تاریخی مسأله ابهام در بلاغت قدیم و دیدگاه‌های امروزی، تلاش شده تا تحول مفهوم ابهام و نقش آن در دو دیدگاه سنتی و جدید نشان

داده شود و حدود ابهام از منظر قدما و منتقدان جدید، فرق ابهام هنری با تعقید و دشواری‌های متن، ویژگی‌های ابهام هنری و تفاوت ابهام در زبان‌شناسی و ادبیات تبیین گردد.

مقاله دوم با عنوان «ساخت‌شکنی بلاغی: نقش صناعات بلاغی در شکست و واسازی متن» (۱۳۸۷)، است که در فصلنامه نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس چاپ شده است. در این مقاله به نقش زبان مجازی و صناعات ادبی در شکستن ساختار عادی زبان و تعلیق معنای قطعی متن ادبی پرداخته شده؛ به همین منظور صناعات معنوی بر اساس نقشی که در ابهام‌آفرینی و فاصله‌گذاری میان متن ادبی و زبان قراردادی ایفا می‌کنند از مجاز مرسل تا پارادوکس رده‌بندی گردیده است. این مقاله در بحث ابهام‌های بلاغی شعر معاصر، اساس کار نگارنده در تدوین این رساله بوده است.

ج - کتاب‌هایی که بخشی از آن‌ها به موضوع ابهام اختصاص دارد که از آن جمله می‌توان به تألیفات ارزشمند دکتر پورنامداریان از قبیل «خانه‌ام ابری است»، «سفر در مه»، «در سایه آفتاب» (به ویژه مبحث اسباب و صور ابهام در غزل‌های مولوی)، و «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی» اشاره کرد. کتاب «بلاغت تصویر» اثر دکتر محمود فتوحی از دیگر تألیفات مهم در این زمینه است. در کتاب «شعر نو از آغاز تا امروز» تألیف محمد حقوقی نیز به برخی از عوامل ابهام‌آفرین در شعر معاصر اشاره شده است. کتاب «معنی‌شناسی» تألیف دکتر کورش صفوی به بررسی مقوله ابهام از دیدگاه زبانی پرداخته است.

گفتنی است روش تحقیق در این رساله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. البته به منظور دستیابی به عوامل و عناصر ابهام‌آفرین در کلام ادبی، نخست آراء و نظریات بلاغت‌نویسان قدیم و جدید بررسی شده و سپس از شعر شاعران مورد بحث یعنی نیما، اخوان ثالث، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد، بر اساس میزان تفسیرپذیری و ابهام شعر آنان نمونه‌گیری به عمل آمده و آنگاه نمونه‌ها تجزیه و تحلیل گردیده و نتایج به دست آمده در پایان رساله ارائه شده است. تحلیل نمونه‌ها و مقایسه آن‌ها در شعر هر شاعر با دیگری تا حدودی میزان ابتکار و نوآوری و خلاقیت فردی آن‌ها را در هر یک از مقوله‌های ابهام‌آفرین مشخص می‌کند.

برای انجام این تحقیق چهار تن از شاعران معاصر انتخاب شده که تمام آثار شعری آن‌ها چه سنتی و چه نیمایی مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است:

۱- نیما پایه گذار شعر نو فارسی است و دیدگاه‌هایی در خصوص ابهام دارد. او معتقد است که معنی و مطلب باید چنان پیچیده و مبهم باشد که مخاطب نتواند به آسانی آن را بفهمد. قاعده قدیم «سهل ممتنع» یا چنان که خود می‌گوید «آسان مشکل» را به «مشکل آسان» بدل می‌کند. یعنی شاعر کاملاً آسان و طبیعی شعر بگوید اما مخاطب به سختی آن را بفهمد. به گمان او ویژگی «سهل ممتنع» مخصوص اشعار بدوی، یعنی شعرهای خالی از عمق و خیال و حس دقیق است. شعر هرچه بیشتر تکامل یابد به لحاظ معنی، مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. به گمان نیما، شعر فارسی در سبک هندی «مرحله‌ای از تکامل خود را پیمود» و عمیق‌تر و مشکل‌تر شد. این تکامل باید ادامه یابد، یعنی شعر امروز «در حد اعلای خود» برای خواص گفته شود نه «برای کسانی تنبل که نمی‌خواهند به خود زحمت فعالیت دماغی بدهند».

۲- اخوان ثالث یکی از توانمندترین شاعران پیرو نیماست و از طرف دیگر تسلط کم نظیری بر شعر و ادب سنتی دارد. و در عین حال محتوای شعر او غالباً همچون محتوای شعر نیما جنبه سیاسی و اجتماعی دارد. او نیز ابهام را مایه لذت شعری می‌داند.

۳- شعر سپهری نیز پیچیده و مبهم است. البته از حیث محتوا با شعر نیما و اخوان متفاوت است.

۴- فروغ فرخزاد یکی از موفق‌ترین شاعران زن در حوزه شعر نیمایی است که در دو مجموعه آخرش به رمزگرایی و بیان نمادین روی می‌آورد.

این رساله شامل مقدمه، کلیات، سه بخش اصلی و نتیجه است. در مقدمه به طرح مسأله و اهمیت موضوع، سؤالات تحقیق، فرضیه‌ها، سابقه تحقیق، روش تحقیق، دشواری‌ها و محدودیت‌های تحقیق پرداخته شده است. در کلیات مباحثی همچون ابهام، ابهام در شعر قدیم و تفاوت آن با شعر معاصر، ابهام و پیوندهای عین و ذهن در شعر، انواع ابهام، ابهام و دستگاه بلاغی مطرح گردیده است.

در این رساله انواع ابهام به سه دسته تقسیم شده است: ابهام‌های هنری (بلاغی) ابهام‌های غیر هنری (تعقید و دشواره) و ابهام‌های بلاغی و دستوری.

ابهام‌های هنری (بلاغی) خود به دو دسته صور بیانی و عناصر بدیعی تقسیم شده است. ابهام‌های ناشی از صور بیانی را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - صناعاتی که بافت و ساختار متن معنای آن‌ها را معین می‌کند که عبارتند از: مجاز مرسل، تشبیه، تمثیل، استعاره و کنایه.

ب - صناعات سیال و غیر قابل پیش بینی که بافت کلام را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مثل حسامیزی، اسطوره و نماد.

در میان فرایندهای مجازی بیشترین میزان ابهام به نماد و کمترین میزان آن به مجاز مرسل اختصاص دارد. دیگر عناصر ابهام‌آفرین این حوزه تشبیه، استعاره، کنایه، حسامیزی و اسطوره است. همچنین در میان عناصر بدیعی کمترین میزان ابهام به معما و بیشترین میزان آن به پارادوکس مربوط می‌شود. از دیگر آرایه‌های ابهام‌آفرین بدیعی می‌توان آیرونی، ابهام و تلمیح را نام برد.

در بخش ابهام‌های غیر هنری، ابهام‌های ناشی از مسأله زبان، دستگاه واژگان و دستگاه دستوری مورد بررسی قرار گرفته و در بخش ابهام‌های بلاغی و دستوری، از برخی مقوله‌ها از جمله صفت، ضمیر و فضای خالی میان بندها و مصراع‌ها که از یک سو عنصری دستوری به حساب می‌آیند و از سوی دیگر عنصری بلاغی، سخن به میان آمده است.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است که از آن جمله می‌توان به مشخص نبودن مرز بعضی از عوامل ابهام‌آفرین اشاره کرد. به عنوان مثال مرز اسطوره، تمثیل رمزی و نماد چنان با هم درآمیخته است که مرزبندی هر یک را با دشواری مواجه می‌سازد و یا غیرممکن می‌نماید. اسطوره‌ها از یک سو با عنصر تلمیح آمیخته‌اند و از سوی دیگر با رمزها و نمادهای یک شاعر پیوند دارند. در خصوص تمثیل رمزی و نماد نیز همین حکم صادق است. همچنین میزان درجه ابهام پارادوکس و نماد به خوبی مشخص نیست که کدام یک ابهام بیشتری در متن ایجاد می‌کند. اگر درجه ابهام پارادوکس را بیشتر بدانیم، باید بگوییم که پارادوکس خود معلول زبان سمبلیک است. به عبارتی درجه ابهام برخی از صور بلاغی سیال است و چه بسا درجه ابهام تشبیه بیشتر از استعاره و کنایه و یا دیگر شگردهای بلاغی باشد.

از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، گستردگی زمینه تحقیق را می‌توان نام برد. لذا به منظور درک دقیق‌تر عوامل ابهام‌آفرین و آشنایی بیشتر با ساختار اندیشه و ذهن هر شاعر، پیشنهاد می‌شود که چنین پژوهش‌هایی در مورد آثار یک شاعر انجام گیرد. نگارنده هرگز مدعی آن نیست که به تمام

وجوه ابهام در شعر معاصر رسیده است. بی تردید از منظر و نگاهی دیگر می توان به مقوله های دیگری از ابهام در شعر معاصر دست یافت. مثلاً از دیدگاه اجتماعی و جامعه شناسی نیز این مسأله می تواند مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد.

در پایان وظیفه خود می دانم که زحمات استاد فاضل و گرانقدر جناب آقای دکتر ابوالقاسم قوام را از صمیم قلب ارج نهم. فرزانه ای که با شکیبایی و متانت ویژه خویش، راهنمایی اینجانب را از آغاز تا انجام این تحقیق بر عهده گرفتند و رهنمودهای ارزنده و سودمندشان همواره مایه دلگرمی من بوده است. همچنین از استاد گرانمایه و دانشمند جناب آقای دکتر محمود فتوحی که همواره مرا مورد لطف و محبت بیدریغ خویش قرار داده و با نگاه دقیق، عالمانه و نوجویانه شان دقایق و ظرایف بسیاری را متذکر شدند، خالصانه سپاسگزاری نمایم. از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که سال ها پیش هم افتخار شاگردی ایشان را در دانشگاه سیستان و بلوچستان داشته و اکنون نیز این سعادت نصیب اینجانب شده که بار دیگر سایه لطف و عنایت ایشان بر سر بنده باشد و همچنان افتخار شاگردی ایشان را داشته باشم، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. دانشی مرد فرزانه ای که مصاحبت با ایشان پربارترین لحظات زندگانی فرهنگی مرا فراهم آورده و راهنمایی های بخردانه و محبت های پدرانیه ایشان همواره همچون چراغی فرا راهم بوده است. سلامتی و تندرستی همه این عزیزان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. ناگفته نماند که در طول دوره تحصیل و تهیه و تدوین این رساله از مساعدت و معاضدت دیگر استادانم در دانشگاه فردوسی مشهد همواره برخوردار و خوشه چین خرمن معرفت ایشان بوده ام. بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان خویش را از همه این بزرگواران ابراز می دارم و آرزوی سرفرازی و سلامتی ایشان را از درگاه ایزد منان دارم.

احمد سنچولی

کلیات

ابهام

واژه ابهام که معادل انگلیسی آن (ambiguity) است، واژه‌ای است عربی. این واژه مصدر باب افعال از مجرد (بهم) به معنای دشواری، گنگی و سرگردانی و درماندگی از ارائه دلیل است. بهم بر وزن فعلیل به معنای سیاهی و تاریکی می‌باشد. در لسان العرب «لیلٌ بهمیم» به معنی شب تیره و تاریک آمده است (ابن منظور، ۱۹۸۸: ذیل ریشه بهمیم). اما «ابهام در اصطلاح، عبارت است از «تعین ناپذیری» معنی واحد و یگانه در کلامی چند لایه و چند معنی. کلامی که معنی‌های متعدد و چهره‌های وسوسه انگیزش شنونده را بر کشف و تأمل و تأویل و تفسیر مشتاق سازد. چنین صفتی هرچه در کلام قوی‌تر باشد، ادبیت و غنا و ژرفای آن بیشتر است» (فتوحی (آ)، ۱۳۸۷: ۳۱).

بسیاری از زیبایی‌شناسان و منتقدان هنر و ادبیات، ابهام و گنگی و به عبارتی دیگر تأویل‌پذیری و مفهوم‌گزینی را خصوصیت ذاتی هنر و شعر دانسته‌اند. دیدرو معتقد است که «وضوح کلام برای اقناع خوب است، ولی به کار تکان دادن نمی‌آید. وضوح از هر نوعی که باشد آفت شور و شوق است». وی به شاعران توصیه می‌کند که «مدام از ابدیت و لایتناهی و عظمت و زمان و مکان و الوهیت سخن بگویید... پیچیده سخن بگویید. در هنر هر اندازه بیان مبهم باشد، تخیل راحت‌تر است» (ولک، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۵-۹۴).

در کتب بلاغی سنتی از ابهام به عنوان آرایه ادبی یاد شده، اما مصداق‌هایی که از آن با نام ابهام یاد می‌کنند، در گروه آرایه‌های ابهام یا توجیه (محتمل الضدین) جای می‌گیرد. سکاکی از این آرایه با نام «توجیه» یاد می‌کند و می‌گوید: «و منه التوجیه و هو ایراد الکلام محتملاً لوجهین مختلفین. کقول من قال للاعور: لیت عینیه سواء» (سکاکی، ۱۹۳۷: ۲۰۲). یعنی از آن جمله (آرایه‌های بدیعی و معنوی)

توجیه است و آن بیان سخن به گونه‌ای است که احتمال دو معنای مختلف باشد. مانند این سخن که کسی به یک چشم بگوید: کاش دو چشمش یکسان بود.

بحث در باره فصاحت و بلاغت دستگاه‌های گوناگون متن از قبیل دستگاه واژگانی، نحوی و بلاغی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و منتقدان آثار ادبی بوده است. نکته قابل توجه در این آثار آن است که همه آنان بر فصاحت و بلاغت ساختارهای مختلف متن و دوری از ابهام تأکید کرده‌اند. زیرا «از نظر قدما، زبان بدون معنای قابل دریافت برای خواننده، زبان تلقی نمی‌شد. مفهوم کلمه معنای آن از نظر کسانی که در باره شعر سخن می‌گفتند، ظاهراً روشن‌تر از آن بود که در باره ماهیت آن بخواهند تأمل کنند» (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۱۹۵). شمس قیس رازی در تعریف شعر می‌گوید: «بدان که شعر در اصل لغت دانش است و ادراک معانی به حدس صایب و اندیشه و استدلال راست، و از روی اصطلاح، سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخرین آن به یکدیگر مانده و در این حد گفتند سخن مرتب معنوی تا فرق باشد میان شعر و هذیان، و کلام نامرتب بی معنی» (قیس رازی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

بنا به گفته شمس قیس، شعر بی معنای هذیان است. وی از قول ابوالهذیل علاف می‌گوید: «چون سخنی شنودی بی معنای لطیف، گفتم: هذا کلام فارغ» (همان: ۴۶۰). لذا در کهن‌ترین نوشته‌های بلاغی، اصطلاح «کلام فارغ» را برای شعر یا سخن بی معنای می‌بینیم؛ اما نه شمس قیس و نه دیگران نمونه‌ای از «کلام فارغ» یا هذیان را ارائه نداده‌اند که ما امروز بهتر بتوانیم در باره نداشتن معنا و ابهام در شعر، سخن بگوییم. فقط ابوالهذیل برای روشن شدن معنای «کلام فارغ» گفته است: «الفاظ اوعیه معانی است و معانی امتعه او؛ پس هر سخن که در او معنی لطیف نباشد، که طباع اهل تمیز را بدان میل بود، همچنان باشد که وعایی خالی و فارغ در وی هیچ متاعی نبود» (همان: ۴۶۱).

بحث و جست‌وجو در باره ابهام، در بلاغت اسلامی به وسیله متکلمان اسلامی و با اصطلاحات «اتساع» و «تأویل» در باب آیات متشابه و حروف مقطعه در آغاز سوره‌های قرآن کریم آغاز شد (فتوحی (آ)، ۱۳۸۷: ۲۰). به طور کلی «از آغاز تاریخ تا قرن بیستم، وجود ابهام در متن ادبی چندان خوشایند به نظر نمی‌آمده و در نظر بلاغیان پیشین تا حدودی به عنوان یک اصطلاح تحقیرآمیز به کار می‌رفته است. این جهت‌گیری علیه حضور دو یا چند معنی در یک تعبیر، بازتاب موضع‌گیری کلی

تمدنی بوده است که به طور سنتی از روزگاران یونان باستان ایمانش را بر دریافت‌های عقلی و اعتقادی به نظم هستی بنیاد نهاده و معناداری کلام را بر اساس انطباق آن با واقعیت بیرونی سنجیده است» (همان: ۱۸).

ابهام در شعر قدیم و تفاوت آن با شعر معاصر

یکی از مباحث عمده کتاب‌های بلاغی قدیم و حتی بسیاری از متأخران، بحث فصاحت و بلاغت سخن است. منظور از فصاحت این است که کلمات درست و مطابق مرسوم، و کلام روشن و استوار باشد و مقصود از بلاغت این است که کلام دلنشین و مؤثر و رسا و به اصطلاح وافی به مقصود باشد و بلیغ کسی است که ما فی الضمیر خود را به نیکویی بیان کند.

در بلاغت سنتی غالباً بر این نکته تأکید می‌شود که گوینده یا فرستنده موضوع باید تمام تلاش خود را به کار بندد تا گیرنده و مخاطب، سخن او را، بدون هیچ کژتابی یا ابهامی دریابد. چنان که شمس قیس رازی نزدیکی به افهام را ویژگی شعر می‌داند و در توضیح اصطلاح تفویف می‌گوید: «آن است که بنای شعر بر وزنی خوش... و معانی لطیف نهند؛ چنان که به افهام نزدیک باشد و در ادراک و استخراج آن به اندیشه بسیار و امعان نظر احتیاج نیفتد» (قیس‌رازی، ۱۳۸۷: ۲۹). این بدین معنی است که گذشتگان برای سخن ادبی، چونان سخن عادی، معنایی روشن و واضح قائل بودند و عدول از این اصل - داشتن معنای روشن - آن قدر بدیهی و روشن بود که لزومی نداشت به بحث درباره آن پردازند (ر.ک. پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۰).

آی.ا. ریچاردز در کتاب «فلسفه بلاغت» می‌گوید: «بلاغت قدیم با ابهام به مثابه یک عیب در زبان برخورد می‌کرد و امیدوار بود آن را محدود یا محو کند، بلاغت جدید آن را پیامد اجتناب ناپذیر نیروهای زبان و ابزار لازم بخش اعظم مهمترین گفته‌های ما می‌داند، مخصوصاً در شعر و مذهب» (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۵۰).

از بسیاری غزل‌های عارفانه که بگذریم، معنی در شعر کلاسیک عبارت از گذر از نشانه‌های زبانی، یعنی کلمات است و رسیدن به مدلول در ورای نشانه‌ها که زبان کلمات را برای آن‌ها وضع کرده است و بعد از رسیدن به مدلول، مخاطب شعر به تجربه یا معنایی می‌رسد که با افق ذهنی او سازگار و قابل انطباق است (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۱۹۷). در چنین فضای شعری، اگر عواملی باعث به تأخیر